

کارگاه پنجم - بخش ششم

عنوان بخش: آشنائی با قراردادهای تجاری (۱)

برخی از تقسیم بندی های صورت گرفته در مورد قراردادها شامل موارد زیر است:

تقسیم قراردادها به عقود معین و غیر معین

عقود معین قراردادهای با نامی هستند که هم اسم آنها و هم احکام قانونی آنها در قانون پیش بینی شده است. مانند قراردادهای که در این اسلاید می بینید

اما آیا برای انعقاد هر قراردادی بایستی فقط از قراردادهای با نامی که در قانون آمده است استفاده کنیم. از طرفی همه قراردادهای مورد عمل مردم در قانون پیش بینی نشده است. لذا ضرورت دارد برخی موارد از قالبهای قراردادی دیگری استفاده شود که در قانون نیامده است. مانند قرارداد تعمیر و نگهداری آسانسور یا سیستمهای گرمایشی و سرمایشی یک ساختمان. لذا در ماده ۱۰ قانون مدنی به اشخاص اجازه داده شده است تا بین خود قرارداد های خصوصی منعقد نمایند چند در قانون پیش بینی نشده باشد. اما این قراردادها بایستی مغایر با احکام قانونی آمره باشد

۱- عقود معین و غیر معین:

عقود معین:

عقودی که در قانون نام و احکام آنها آمده است:

نظیر بیع، اجاره، وکالت، قرض، عاریه، ودیعه، مضاربه، مزارعه، مساقات، شرکت، جعاله، کفالت، وقف، حواله، رهن، صلح

عقود غیر معین: عقودی که در قانون نام و احکام آنها آمده است و اعتبار آنها مستند به ماده ۱۰ قانون مدنی است.

۲- عقود لازم و جایز

عقد لازم: هیچ یک از طرفین به تنهایی حق فسخ قرارداد را ندارد مگر در مواردی که قانون پیش بینی کرده باشد.

عقد جایز: هر یک از طرفین به تنهای حق فسخ را دارد و با فوت یکی از طرفین قرارداد منفسخ می شود. از قبیل وکالت،

عاریه، ودیعه

عقود دو وجهی: عقودی که نسبت به یک طرف جایز و نسبت به طرف دیگر لازم است. از قبیل رهن

اصول حاکم بر قراردادها

۱- اصل حاکمیت اراده

ماده ۱۰ قانون مدنی: "قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد نموده اند در صورتی که مخالف صریح قانون نباشد نافذ است"

ماده ۱۰ قانون مدنی: "قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد نموده اند در صورتی که مخالف صریح قانون نباشد نافذ است"

بر اساس این اصل که مهمترین اصل در حقوق قراردادها است اشخاص آزادند در خصوص نحوه تنظیم شکلی و ماهوی قرارداد و تعیین حدود تعهدات طرفین و درج هرگونه شرط در قرارداد توافق نمایند مشروط بر اینکه توافق آنها مخالف قوانین آمره و نظم عمومی نباشد.

۲- اصل لزوم قراردادها

ماده ۲۱۹ قانون مدنی: عقودی که برطبق قانون واقع شده باشند بین متعاملین وقائم مقام آنها لازم الاتباع است مگر اینکه به رضای طرفین اقاله یا بعلت قانونی فسخ شود.

بر اساس این اصل، چنانچه تردید شود یک عقدی جایز است یا لازم است، اصل بر این است که لازم است مگر اینکه در قانون به جایز بودن آن تصریح شده باشد. علاوه بر این بر اساسی این اصل حتی قراردادها جایز نیز مادامی که فسخ نشده اند بین طرفین لازم الاجرا است و طرف قرارداد نمی تواند عدم اجرای تعهد را به دلیل جایز بودن قرارداد توجیه نماید بلکه مادامی که قرارداد را فسخ نموده است بایستی به اجرای تعهدات خود پایبند باشد

۳- اصل صحت معاملات

ماده ۲۲۳ قانون مدنی: "هر معامله که واقع شده باشد محمول بر صحت است مگر اینکه فساد آن معلوم شود."

بر اساس این اصل چنانچه تردید شود که قراردادی که بین دو شخص منعقد شده است معتبر است یا باطل است، اصل بر این است که قرارداد مزبور صحیح و معتبر است مگر اینکه دلیلی ارائه شود ملنی بر اینکه قرارداد باطل است مانند اثبات اینکه یکی از طرفین به هنگام انعقاد قرارداد مجنون بوده است. البته کسی که مدعی بطلان و بی اعتباری قرارداد است بایستی دلیل بی اعتباری قرارداد را ارائه نماید.

۴- حاکمیت عرف و رویه ها :

ماده ۲۲۰ قانون مدنی: عقودنه فقط متعاملین را به اجرای چیزی که در آن تصریح شده است ملزم می نماید بلکه متعاملین به کلیه نتایجی هم که بموجب عرف و عادت یا به موجب قانون از عقد حاصل می شود ملزم می باشند.

ماده ۲۲۵ قانون مدنی: متعارف بودن امری عرف و عادت بطوری که عقده بدون تصریح هم منصرف آن باشد به منزله

ذکر در عقداست

بر اساس این اصل نیز با توجه به اینکه قراردادهایی که بین اشخاص منعقد می شود با توجه به عذف موجود صورت می گیرد هر چند صراحتاً در قرارداد به آن اشاره نکنند لذا بایستی کلیه احکام عرفی را که بر قرارداد حاکم است را نیز بپذیرند مگر اینکه در قرارداد به صراحت بر خلاف حکم عرف توافق کرده باشند و یا حکم عرفی مورد نظر مغایر با قانون آمره باشد.

از طرفی گاهی ممکن است قرارداد راجع به موضوعی که در قرارداد مسکوت مانده است دارای حکمی باشد و تکلیفی را بر یکی از طرفین بار نماید و در نتیجه این حکم عرفی بر اساس ماده ۲۲۵ قانون مدنی، در حکم این است که طرفین در قرارداد ذکر کرده‌اند.

عرف به ویژه در قراردادهای تجاری بین المللی از اهمیت زیادی برخوردار است.

چهار شرط اساسی صحت قراردادها

۱- اهلیت طرفین قرارداد

۲- تراضی و توافق طرفین قرارداد

۳- معلوم و معین بودن موضوع قرارداد

۴- مشروع بودن جهت قرارداد

۱- داشتن اهلیت برای انجام معامله

□ اهلیت تمتع (تملک)

اصل بر این است که همه اشخاص دارای اهلیت تمتع هستند

□ اهلیت اجرا یا استیفا

✓ بلوغ

✓ عقل

✓ رشد

طرفین قرارداد برای انعقاد قرارداد بایستی اهلیت لازم را داشته باشند. شخصی اهلیت انعقاد قرارداد را دارد که اولاً دارای اهلیت تمتع باشد به این معنی که از نظر حقوقی توانایی دارا شدن حقوق ناشی از قراردادی که قصد انعقاد آنرا دارد، را دارا باشد به عنوان مثال خارجیان نمی توانند مالک زمین در ایران شوند لذا نمی توانند قرارداد خرید زمین منعقد نمایند. ثانیاً بایستی اهلیت اجرا را داشته باشد، لذا بایستی شرایط زیر را دارا باشد:

۱- بالغ باشد: در نظام حقوقی ما سن بلوغ برای آقایان ۱۵ سال و برای خانم ها ۹ سال است.

۲- عاقل باشد

۳- رشید باشد. برای انعقاد قراردادهای مالی علاوه بر بلوغ و عقل شخص بایستی قدرت تشخیص ضرر و زیان و سود مالی و اقتصادی را داشته باشد که اصطلاحاً "بایستی رشید باشد". شخصی که این قدرت تشخیص را نداشته باشد غیر رشید یا سفیه نامیده می شود.

به اشخاصی که سه شرط مزبور را فاقد باشد مجبور گفته می شود. نکته قابل ذکر اینکه در نظام حقوقی ما برخلاف برخی نظامهای حقوقی دیگر اهلیت خاص تجاری دیگری غیر از موارد فوق وجود ندارد.

۲- توافق و تراضی طرفین قرارداد

تلاقی ایجاب و قبول

چگونگی اعلام اراده

✓ کتبی

✓ شفاهی

✓ عملی

تلاقی ایجاب و قبول

✓ کامل بودن ایجاب و قبول

✓ منطبق بودن قبول با ایجاب

✓ ایجاب متقابل

چگونگی اعلام اراده

✓ کتبی

✓ شفائی

✓ عملی

اصل غیر تشریفاتی بودن قراردادها

۳- تعیین موضوع قرارداد

معلوم بودن موضوع قرارداد

✓ ذکر اوصاف اصلی موضوع قرارداد (شرایط کیفی)

✓ تعیین مقدار و حجم موضوع (شرایط کمی)

✓ کفایت علم اجمالی در برخی قرارددها نظیر صلح

معین بودن موضوع قرارداد

۴- مشروع بودن جهت قرارداد

- ❑ مفهوم جهت قرارداد: انگیزه و داعی اصلی برای انعقاد قرارداد
- ❑ عدم ضرورت ذکر جهت قرارداد در متن قرارداد
- ❑ ضرورت مشروعیت جهت قرارداد در صورت ذکر در قرارداد
- ❑ ضرورت مشروعیت جهت قرارداد در صورتی که طرف مقابل مطلع از آن باشد

تعریف و ملاک تفکیک قراردادهای تجاری و غیر تجاری

معیار تفکیک:

موضوعی: موارد مندرج در ماده ۲ قانون تجارت

ویژگی شخصی: تاجر بودن متعاملین

برای تفکیک قراردادهای تجاری از غیر تجاری ۲ معیار را مطرح می کنند:

ü موضوعی: موارد مندرج در ماده ۲ قانون تجارت

ü ویژگی شخصی: تاجر بودن متعاملین

قرارداد تجاری در واقع قراردادی است که در آن با یک عمل تجاری یا طرفین یا یکی از آنها تاجر باشد. بعبارت دیگر قرارداد تجاری وسیله ایست برای شکل و قالب دادن به اعمال تجاری و یا اعمالی که برای یکی از طرفین تجاری و برای طرف دیگر غیر تجاری است. مثلاً یک قرارداد بیع، هرگاه میان دو تاجر حرفه آنان منعقد شد، تجاری محسوب میشود. همینطور است بیعی که میان تاجر و یک غیر تاجر انجام میگردد که برای تاجر جنبه تجاری دارد. برعکس، بیعی که میان دو تاجر بمنظور رفع نیاز غیر مرتبط با شغل تجارت آنان منعقد میگردد تجاری محسوب نميگردد.

قراردادهای تجاری اصولاً تابع قواعد عمومی عقود و قراردادهای، بنحوی که در مواد ۱۸۳ ببعد قانون مدنی آمده است، میباشد مگر آنکه در قوانین خاص مقررات ویژه ای برای آنها معین شود که در اینصورت قواعد خاص هر قرارداد نسبت به همان قرارداد قابل اجرا خواهد بود. در حال حاضر قانون تجارت ایران، که عمدتاً از قانون تجارت فرانسه اقتباس گردیده است متضمن هیچگونه قواعد عمومی برای قراردادهای تجاری نیست و تنها قواعد پاره ای از قراردادهای نظیر حق العمل کاری و دلالی را بصورت مجمل و نارسایان میکند.

معذک، این بدین معنی نیست که قراردادهای تجاری تابع مقررات خاص خود نباشد. در واقع این قراردادها که از نظر قواعد خاص هر یک، با قراردادهای مدنی متفاوتند، از نظر قواعد کلی نیز با قراردادهای نوع اخیر تفاوتی ندارند

ویژگی های قراردادهای تجاری

۱- اهمیت عرفهای تجاری در قراردادهای تجاری

❑ قواعد و رویه های تجاری که بین تجار و بازرگانان در عرصه تجارت رایج است ، به عنوان عرفهای تجاری مبنای قراردادهای منعقد توسط فعالان تجاری است

❑ در تجارت بین الملل عرفهای تجاری از اهمیت زیادی برخوردار هستند

در عرصه تجارت ، بازرگانان بیش از آنکه به قواعد حقوقی حاکم بر قراردادها توجه داشته باشند، بر عرفهای تجاری رایج توجه دارند لذا قراردادهای مبنای همین قواعد عرفهای تجاری تنظیم می کنند.

بویژه در عرصه تجارت بین الملل به جهت آنکه قانون کشور خاصی بر قرارداد حاکم نیست و هریک از طرفین قرارداد نمی پذیرند قوانین کشور طرف مقابل یا کشور ثالثی که نسبت به نظام حقوقی آن بیگانه هستند انتخاب کنند لذا ترجیح می دهند که بر مبنای عرفهای بازرگانی بین المللی قرارداد را تنظیم نمایند و در غالب موارد به این عرفها ارجاع می دهند . اتاق بازرگانی بین المللی با انتشار این عرفهای بازرگانی در قالب اینکوترمز کمک شایانی برای تسهیل انعقاد قراردادهای تجاری نموده است.

۲- اهمیت رویه ها در تفسیر قرارداد

❑ رویه های مورد عمل دو تاجر در روبرو معاملات آنها از اهمیت برخوردار است

❑ تفسیر قراردادهای فیما بین دو تاجر بر مبنای رویه های موجود بین آنها تفسیر می شود

وقتی دو تاجر در طول مدت قابل توجهی روابط قراردادی و مالی با یکدیگر دارند ممکن است این نزدیکی روابط به نحوی باشد که حتی قرارداد نوشته شده بین آنها منعقد نشود. لذا بیشتر قواعد حاکم بر رابطه آنها را می توان از همین رویه ای که بین آنها ایجاد شده است می توان استنباط کرد. از این رو چنانچه بین طرفین راجع به موضوعی اختلاف حاصل شود مانند حدود تعهدات یکی از طرفین راجع به موضع خاص، این رویه معمول بین طرفین می تواند یک منبع مهم برای تفسیر این رابطه قراردادی و حدود تعهدات قراردادی طرفین مورد استناد و استفاده قرار گیرد.

۳- اهمیت گفتگوها و مذاکرات پیش از عقد در تفسیر قرارداد

❑ گفتگوها و مذاکرات بخشی از قرارداد را تشکیل نمی دهند ولی در تفسیر قرارداد قابل استفاده هستند

❑ گفتگوهای پیش از قرارداد ممکن است شفائی یا کتبی باشد

برای اینکه بین دو شخص قراردادی منعقد شود ممکن است ساعتها، روزها و حتی ماهها مذاکره و گفتگو به صورت شفائی و حضوری و تلفنی یا مکاتبه ای صورت بگیرد و در نهایت نتیجه در قالب یک توافق نهائی نوشته شده یا شفائی به طور مختصر یا تفصیلی حتی در حد یک صفحه نمود یابد. بی تردید این مذاکرات و گفتگوها به جهت آنکه ممکن است در طول مذاکره به جهت مطرح شدن بحثهای مختلف و ابعاد مختلف تغییر نماید نمی تواند بخشی از قرارداد را تشکیل دهد بلکه آن نتیجه نهائی مذاکره است که قرارداد را تشکیل می دهد. اما این مذاکرات و گفتگوها یک منبع مهم برای تفسیر قرارداد می باشد تا با رجوع به آنها بتوان قصد و اراده واقعی و منظور آنها را کشف کرد. بویژه در تفسیر عبارات قراردادهای کمک می کند.

۴- آزادی انتخاب قانون حاکم شکلی و ماهوی (در قراردادهای بین المللی)

□ طرفین یک قرارداد بین المللی که خارج از ایران منعقد شده است می توانند قانون حاکم بر قرارداد و قانون حاکم بر رسیدگی به دعوی احتمالی ناشی از آن را تعیین و انتخاب کنند.

□ اگر قرارداد در ایران منعقد شود و هر دو طرف خارجی باشند می توانند قانون حاکم بر قرارداد را انتخاب کنند

یکی از دغدغه های تجاری که در عرصه بین المللی فعالیت می کنند این است که نمی توانند بپذیرند قانون کشور متبوع طرف قرارداد یا یک کشور دیگری بر قرارداد آنها حاکم باشد به همین جهت این اصل بین المللی پذیرفته شده است که در قراردادهای بین المللی طرفین این آزادی اختیار داشته باشند که قانون حاکم بر روابط قراردادی خود را انتخاب کنند. این انتخاب قانون ممکن است ناظر بر قانون ماهوی حاکم بر قرارداد برای تعیین حقوق و تعهدات متقابل طرفین باشد و یا به عنوان قانون شکلی برای حاکمیت بر نحوه به رسیدگی به اختلافات احتمالی ناشی از قرارداد باشد.

در نظام حقوق ایران این قاعده بیان شده است که قراردادها تابع قانون محل انعقاد آنها می باشد اما یک استثنا پیش بینی شده است و آن اینکه اگر قراردادی در ایران منعقد شد و طرفین آن هر دو خارجی باشند، آنها می توانند قانون حاکم بر قرارداد را خود انتخاب کنند.

۵- اهمیت روشهای غیر قضائی حل اختلافات و قواعد تدوین شده توسط نهادهای ملی و بین ملی نظیر قواعد داوری اتاق بازرگانی یا اصول قراردادهای تجاری بین المللی هوسسه یکنواخت کردن حقوق خصوصی (UNIDROIT)

۶- انعقاد قرارداد تحت شروط استاندارد

□ عدم لزوم ذکر تمام جزئیات توافق در متن اصلی قرارداد و امکان ارجاع آنها به پیوست های قرارداد

□ در برخی قراردادهای تجاری از شروط کلی پیوست قرارداد به عنوان شروط استاندارد استفاده می شود

۷- عدم اختیار دادگاه برای اعطای مهلت یا تقسیط بدهی مدیون تجاری

□ اختیار قانونی دادگاه برای دادن مهلت یا تقسیط بدهی مدیون عاجز از پرداخت دین

□ عدم اختیار دادگاه برای اعطای مهلت به مدیونی که بدهی او ناشی از یک سند تجاری (سفته، چک یا برات) باشد

جمع بندی:

برای انعقاد قرارداد صرف نظر از نوع و ماهیت آن بایستی چهار شرط اساسی رعایت شود تا قرارداد واجد اعتبار حقوقی باشد که عبارتند از: اهلیت طرفین، توافق و تراضی رفین، معلوم و معین بودن موضوع قرارداد و جهت مشروع قرارداد.

برخی اصول حقوقی مشترک وجود دارند که بر همه قراردادهای حاکم هستند نظیر اصل حاکمیت اراده، اصل لزوم قراردادهای، اصل صحت قراردادهای و اصل حاکمیت عرف و رویه های تجاری.

قراردادهای بازرگانی دارای ویژگی هایی هستند که آنها را از سایر قراردادهای متمایز می نماید. از جمله این قرارداد عبارتند از: عدم اختیار دادگاه برای دادن مهلت یا تقسیط بدهی تجاری، اهمیت نهاد داوری در قراردادهای تجاری، اهمیت عرفهای تجاری در قراردادهای تجاری و امکان انتخاب قانون حاکم بر قراردادهای بین المللی

کارگاه پنجم - بخش هشتم - دفتر توسعه فناوری سلامت